

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آموزه های شهروند منتظر به عنوان یک واقعیت

نگارنده:

محمد حسن شربتیان

چکیده

آموزه های شهروند منتظر در جهت استحکام باورهای مهدویت گرایی و مشارکت مدنی شهروندان در زمینه سازی شرایط ظهور نقش بارزی دارد. این آموزه ها در برگیرنده یادگیری دانش، مهارت ها و ارزش هایی است که با ماهیت سرشت دینی و اعتقاد شیعه به مسئله انتظار همخوانی دارد؛ آموزش شهروند منتظر امروزه نقش مهمی در تقویت روح جمعی و وجدان جمعی جامعه منتظر دارد؛ در واقع چنین آموزشی در یک جامعه باعث این شده که سه عنصر اصلی شهروندی چون نظام حقوقی، حس عضویت ملی و حس تعلق و وابستگی مذهبی بر وضعیت ارتباطات بین فرهنگی منتظران اثرگذار باشد، چنین آموزه هایی با مسائل جمعی و رفتارهای نوع دوستانه، جوانمردانه همراه با ادب و مهربانی، خوش خویی و حس وظیفه شناسی، مهرورزی، عدالت و... ارتباط دارد. این آموزه ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی دینی یک جامعه در سطح محلی، ملی و جهانی منجر خواهد شد. آموزش شهروند منتظر به عنوان یک واقعیت اجتماعی از مؤلفه های نظام دینی و شیعی و شاخص کلیدی برای تحقق مردم سالاری دینی در حوزه عمومی جامعه خواهد بود. در واقع زمینه های اصلی و شکل دهنده تربیت یا آموزش شهروند منتظر شامل قرآن، دین، اخلاق، سنت، تاریخ، ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه می باشد. سیر تحولاتی آموزش شهروند منتظر از بُعد تربیتی در ساختار جامعه ایران بر مبنای تاثیر فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) قرار دارد. آموزه های شهروند منتظر از بُعد سیاسی در واقع توسط نظام سیاسی مردم سالاری دینی حاکم بر جامعه ایران تعیین می گردد، چنین آموزه هایی از بُعد سیاسی و مدنی به عنوان یک واقعیت به تعلیم راهکارهای ایجاد وحدت، حفظ یگانگی و انسجام همه جانبه شهروندان منتظر می پردازد که این مسئله موجب رشد هویت دینی در بین شهروندان منتظر خواهد شد.

واژه های کلیدی؛ آموزه، شهروند منتظر، مهدویت همبستگی دینی، هویت فرهنگی

مقدمه

با توجه به اینکه هر جامعه ای با عنایت به زمینه های دینی، اخلاقی، فرهنگی و ارزشی خود شهروندان را با خصوصیات ویژه پرورش می دهند؛ و این امر ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و بقاء دینی می باشد؛ باید آموزه های شهروند منتظر را به صورت حساب شده ای برای تمام اقشار جامعه به طور وسیع در نظر گرفت که می توان آن را از رسمی ترین نظام آموزش کشور یعنی آموزش و پرورش آغاز کرد و به صورت غیر رسمی در سطح مدیریت شهری و رسانه های جمعی بسترسازی نمود. بنابراین «آموزش و تربیت شهروندی سرمایه گذاری برای آینده مورد نظر کشور در تمامی ابعاد از جمله تقویت همبستگی های دینی است، برای اینکه شهروندان جامعه را به آموزه های دینی شهروندی شان آشنا کنیم و از شهروندان جامعه این انتظار این را داشته باشیم که متعهد و مسئول به مسائل عقیدتی و دینی خود باشند، از همان دوران کودکی مشارکت کردن در زمینه های مختلف از جمله جامعه پذیری انتظار را ترویج دهیم و یا به طور کلی در هر جامعه ای ارزش ها، طرز تلقی ها، بینش ها و مهارت ها به همراه الگوها و روش های مشارکت در زندگی دینی یا مدنی به شکل ویژه ای منتقل کنیم؛ بنابراین نیازمند آموزه های شهروند منتظر و تربیت شهروند مداری منتظر می باشیم.»

تربیت شهروندی و شهروند مداری منتظر در واقع در برگیرنده یادگیری دانش، مهارت ها و ارزش هایی است که با ماهیت و شیوه های اداری یک نظام مردم سالار دینی بر مبنای مشارکت در عرصه های دینی همخوانی دارد، و عملاً به عنوان وسیله ای برای پرورش احساس تعلق به هویت شیعی و داشتن هدفی (انتظار کشیدن) را در زندگی مورد استفاده قرار می دهد. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر دینی، فرهنگی و اخلاقی به وجود می آورد. در واقع هدف از چنین تعلیماتی، پرورش مسئولیت اجتماعی و اخلاقی، فعالیت گرایی مذهبی و سواد دینی و... می باشد. اجرای یادگیری و تربیت شهروند منتظر در واقع «سطح حداقل حقوق ساختاری و دینی فرد را در جامعه مشخص می کند، از سوی دیگر آگاهی نسبت به حقوق فردی-دینی و فرهنگی افراد را تقویت می کند. مردم سالاری دینی و مشارکت در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی را بسط می دهد. به نوعی این آموزش ها رعایت

عدم اعمال تبعیض، برابری، مساوات طلبی، مهرورزی، نوع دوستی و... را در بهره‌مندی از عرصه‌های زندگی مذهبی را در بین شهروندان ترویج می‌دهد. تربیت شهروند منتظر در گسترش جامعه از طریق توسعه تشکل‌های دینی، ارتقاء هویت‌های فرهنگی و مذهبی نقش بارزی می‌تواند داشته باشد.

طرح مساله

آموزش شهروندی در واقع ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه از جمله مباحث عقیدتی و مذهبی می‌باشد؛ که فرد را برای کسب فرهنگ شهروندی جامعه محل زندگی خود در ابعاد "محلی- ملی و جهانی" آماده می‌کند. آموزه‌های شهروند منتظر از همان دوران کودکی به گونه‌ای است که کودک را درگیر مشارکت همه جانبه با اجتماع و محیط پیرامون خود برای آمادگی پذیرش شرایط ظهور می‌کند؛ همچنین تصمیم‌گیری و قضاوت عادلانه در روابط اجتماعی را آموزش می‌دهد و احترام متقابل را در هویت‌های قومی، زبانی، نژادی، فرهنگی در خصوص اشتراک جامعه منتظر برای فرد به وجود می‌آورد. این فرایند در نهادهای آموزش رسمی جامعه منجر به پرورش شهروند منتظر فعال می‌گردد. که این مهارت در این عرصه شامل ۱- تقویت شیوه‌های همکاری و کارگروهی. ۲- تصمیم‌گیری به شیوه شورایی. ۳- توانایی بخشیدن به افراد برای استدلال و نقد کردن. ۴- تقویت مهارت‌های موثر ارتباطی. ۵- مدیریت مشترک فعالیت‌ها و کارهای محلی. ۶- تقویت گفتگو و مهارت‌های مشارکتی و... می‌گردد. بر اساس چنین تبیینی در مقاله حاضر نقش آموزه‌های شهروند منتظر و کارکردهای آن به عنوان یک واقعیت از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد.

ضرورت مساله

آموزش از ارکان اصلی رشد شخصیت و تحکیم هویت نظام ارزشی، ملی و انسانی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. تربیت و آموزش در هر نهاد اجتماعی منجر به اجتماعی شدن در ابعاد مختلف می‌گردد.

آموزه های شهروند منتظر و شناخت ابعاد و اصول شهروند مداری منتظر امروزه نقش مهمی در تقویت روح جمعی و وجدان جمعی جامعه می تواند داشته باشد، آموزه های شهروند منتظر و الگوهای آن در جامعه اینگونه است که «اول: آموزش های شهروندی منجر به شناخت زندگی فردی، اجتماعی، فرهنگی، ملی، دینی و مدنی در جامعه می شود که جزء اولین اصول مهارت هایی است که باید آموزش و پرورش و آموزش عالی به دانش آموزان و دانشجویان فرا دهد. دوم: بخش دیگری از این مهارت ها شامل سلامت معنوی، ترویج عقاید مذهبی، بهداشت معنوی است، که باید آموزش و پرورش اینگونه مهارت ها را به افراد یک جامعه در قالب برنامه ریزی درسی توسعه بخشد، تا از این طریق رضایت از زندگی برای افراد یک جامعه علی الخصوص در یک جامعه شهری که پیامدها و مشکلات آنان را روبه افزایش است برای فرد و دیگران آسان کند. سوم: باید افراد یک جامعه یاد بگیرند که به نظم و قانون مداری و عدالت در همه حال توجه کنند، و در تمام امور که انجام آن را برعهده دارند احساس مسئولیت نمایند. چهارم: در این گروه باید آموزش و پرورش مناسبات اجتماعی، و دینی، رشد مهارت های زبانی و سایر ارتباطات انسانی را جهت تعامل موثر و ثمر بخش بصورت برابرگونه بین افراد یک جامعه تقویت و بسط دهد. پنجم: در این بخش نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی باید شهروندان جامعه را با هویت انسان منتظر از همان کودکی، نوجوانی و جوانی آشنا کنند، فرزندان ما را پرورش به اعتقادات مذهبی و آینده نگری جامعه مهدوی زیست تشویق کنند؛ که این مسئله باعث نهادینه گردیدن اجرای اصول شهروندمداری منتظر شده که منجر به شکل گیری هویت مذهبی می گردد. ششم: حکومت و دولت در قالب سازمان ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی چون آموزش و پرورش و آموزش عالی و... باید شرایطی را فراهم کند که شهروندان منتظر بتوانند به درستی ویژگی های جامعه مهدوی را بشناسند و بر اساس شناختی که از استعدادها و خلاقیت های خود دارند شیوه زندگی خود را در قالب اهداف "کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت" در راستای تحقق آرزو و سعادت انسانی و مهدی یابوری و مهدویت باوری مستمر در زندگی روزمره پی ریزی نمایند. هفتم: بخش دیگری از مهارت های شهروند منتظر بدین گونه در زندگی اجتماعی است که شهروندان را به تفکر درست، واقع بینانه، منطقی و هوشیارانه همچنین خلاق و انتقادی جهت توانایی حل مباحث ظهور راستین و

کاذب تجهیز نماید. هشتم: وظیفه دولت این است که برای اینکه شهروندان را به آموزه های مهارت های زندگی شهروند منتظر در یک جامعه مردم سالاری دینی به گونه ای تشویق و ترغیب نماید که از مشارکت خانواده، حوزه های علمیه، متفکران دینی، دانشگاه و آموزش و پرورش، مدیریت شهری و... باید بهره گیرد زیرا تاثیر انکارناپذیری این گروه ها و نهادهای اجتماعی بر چگونگی دستیابی مهارت های زندگی و شکل گیری هویت و شخصیت فرد منتظر از همان دوران کودکی اثرگذار است».

بر اساس چنین آموزه ها و اصولی که بیان شد می توان گفت که در واقع آموزش نقش بسیار مهمی در ترویج جامعه منتظر دارد؛ در واقع آموزش شهروندمداری منتظر در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبت ی بصورت دینی و ملی برخوردار باشند.

آموزه های شهروندی و تربیت شهروندان منتظر در یک جامعه باعث این شده که سه عنصر اصلی شهروندی چون نظام حقوقی، حس عضویت ملی و حس تعلق و وابستگی مذهبی در وضعیت ارتباطات بین فرهنگی هر جامعه ای اثرگذار باشد، بر این اساس نقش ارتباطات آموزشی که معطوف به تفاهم و تعامل بایکدیگر در جامعه مهدی باوری است از موثرترین پیوندهای اجتماعی برای کاهش آسیب های دینی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه و جهان می تواند باشد. آموزش شهروند منتظر چندلایه است؛ که این مؤلفه چندین بعد خواهد داشت، این ابعاد بیشتر حول محورهای دینی، فرهنگی و اجتماعی سوق یافته است و منجر به شناخت عوامل احساسی شهروند منتظر شده است. آموزه های شهروند منتظر قدرتی است که بصورت چتر پهن شده در نظر گرفته می شود که تمام افراد یک جامعه جهانی منتظر را که احساس تعلق و عضویت به یک عقیده بنیادی مشترک می کنند، را تحت پوشش قرار می دهد، همچنین سطح تعلق به فرهنگ را بازگو می کند.

آموزش به شهروندان منتظر و تربیت آن ها در بسط گسترش رفتار شهروند منتظر نسبت به بسط رفتار مهدی باوری از اهمیت اجتماعی و جامعه شناختی برخوردار است «به تعبیر تورنی منظور از آموزش شهروندی در حوزه جامعه شناسی عبارت است از فرایند انتقال دانش ها، ارزش ها و نگرش های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک

نسل به نسل دیگر. این انتقال شامل موارد مختلفی نظیر: آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس فاوداری به ملت، نگرش مثبت به اقتدارسیاسی، باور به ارزش های بنیادی (مانند حاکمیت قانون و تساهل و تسامح)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت های لازم برای فهم سیاست های عمومی و نظارت بر آن ها می شود.»

آموزه های شهروند منتظر و مهارت های آن نسبت به یکدیگر باعث این می شود که شهروندان در برخورد با مسائل جمعی و اجتماعی جامعه رفتارهای نوع دوستانه، جوانمردانه همراه با ادب و مهربانی، خوش خویی و حس وظیفه شناسی دینی و اخلاقی نسبت به یکدیگر پیدا کنند. یادگیری پارامترهای آموزه های رفتار شهروند منتظر به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه دینی در زندگی کمک شایانی می کند. درواقع تربیت شهروند منتظر از طریق آموزش رفتارهای مهدی یآوری در قالب پارامترهای اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی باعث بهبود عملکرد شهروندان جامعه نسبت به یک زندگی سالم و معنوی خواهد شد.

نقش و کارکردهای آموزه های شهروند منتظر در جامعه اسلامی

آموزه های رفتار شهروند منتظر در افزایش کیفیت عملکرد سازمان های مردم سالاری دینی متمرکز بر مهدویت باوری بسیار اثرگذار است، این آموزه ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی معنوی یک جامعه در سطح "محلی- ملی و جهانی" منجر خواهد شد، چنین اشاعه ای در ابعاد نوع دوستی و پذیرش عمومی از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع نقش آموزه های شهروند منتظر به افراد جامعه را باید در قالب شناختی که شهروندان نسبت به قوانین و مقررات جامعه مهدوی بدست می آورند مورد اهتمام قرار داد، که هر شهروندی در این جامعه از این آموزه ها برداشتی یکسان و مشترک نماید.

آموزه های شهروند منتظر بخشی از وظایف مدیریت شهری، نهادهای آموزشی، دولت، مجلس و... می باشد. در واقع دولت و نهادهای قانون گذار، سازمان های ملی و محلی، تشکل های مردم سالاری دینی و... از طریق آموزش های دینی و مهارت های زندگی معنوی و شناخت اصول اخلاقی مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت این شهروندان برای

بسترسازی جامعه مهدوی خواهند داشت؛ در این راستا بخشی از این آموزه ها به انتظاراتی که از مدیریت جامعه معطوف است، مربوط می گردد؛ و همچنین نقش شهروندان در قبال وظایف اخلاقی و معنوی مدیریت جامعه انتظار را منعکس می کند. این آموزش ها راجع به اصول زندگی اخلاقی و معنوی در جامعه منتظر، رعایت حقوق شهروندان و... می باشد. این آموزه های دینی در واقع به سمت بسترسازی جامعه منتظر و شرایط ظهور منجی سوق خواهد یافت، از طریق این آموزه ها سعی می شود که پیامدها و مخاطرات اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و روانی در جامعه منتظر جهت پیشگیری آموزش داده شود. هدف این است که از طریق آموزه های رسمی و غیررسمی اخلاقی و معنوی بتوان برای شهروندان مشخص کرد که در بسترسازی جامعه منتظر مهدوی چه جایگاهی دارند و به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام جامعه مهدوی چه وظایفی را باید اجرا کنند و باید از آنان انتظار داشت. «در واقع نقش آموزش های شهروندی یکی از مهمترین نقاط اتصال مدیریت جامعه با شهروندان قلمداد می شود. بنابراین آموزش و پرورش شهروندان از طریق آشنایی و شناخت آنان در پرتو قوانین و مقررات شهری چه بصورت رسمی و غیر رسمی باعث این می شود که شهروندان نقش پویاتری در مشارکت شهری و مفهوم شهروندی داشته باشند.»

نقش رفتاری آموزه های شهروند منتظر به افراد یک جامعه در پنج بعد خلاصه می شود. «الف) نوع دوستی که شامل رفتارهای یاری دهنده و کاملاً داوطلبانه به منظور کمک به دیگران می باشد. ب) جوانمردی که در این بعد شهروندان همراه با رفتارهای جوانمردانه خود سعی بر این می کنند که خرده جویی ها و خرده گیری ها را نسبت به یکدیگر کاهش دهند. ج) خوش خویی و خوش خلقی نمونه دیگری از آموزش رفتارهای شهروندی نسبت به یکدیگر است، که باید به صورت مشارکت فعالانه و مسئولانه بین شهروندان توسعه داد. د) ادب و مهربانی بعد دیگری از رفتارهای شهروندمدارانه نسبت به یکدیگر است، این رفتارها مانع ایجاد مشکل و مساله در محیط های مختلف زندگی خواهد شد، در واقع نقش و احترام و تکریم یکدیگر شهروندان و رعایت حقوق شهروندان نسبت به یکدیگر در گسترش این نقش رفتاری بسیار موثر است. ه) وظیفه شناسی: بخش دیگری از رفتارهای شهروندمداری است که باید در قالب آموزش های رسمی و غیررسمی به دانش آموزان و

دانشجویان و شهروندان منتظر آموزش داد که این بعد دینی تلاشی فراسوی الزامات رسمی است که هر فردی باید در جهت همیاری همکاری و توسعه همه جانبه خود در خود بوجود آورد.»

در واقع نقش چنین تعلیماتی رابطه تنگاتنگی با رفتارهای اخلاقی و دین دارد، براین اساس نهادینه کردن آموزش های شهروندی منجر به بروز شرایط یگانگی و هبستگی اجتماعی جهت ایجاد جامعه منتظر می شود. نقش این آموزه های مردم سالاری دینی در جامعه امروز باعث تقویت مشوق هایی چون "احساس برادری، همنوعی، تعهد و مسئولیت پذیری و..." می شود. نقش این آموزه ها در جامعه باعث نظارت اجتماعی بالای در بین شهروندان خواهد شد که شهروندان نسبت به یکدیگر به رعایت نظم اجتماعی و احترام به دین و اخلاق یکدیگر می پردازند، علاوه براین اعتماد اجتماعی را در بین شهروندان گسترش می دهد.

سیر نظری و تاریخی آموزه های شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی

آموزه های شهروند منتظر به عنوان یک واقعیت اجتماعی از مؤلفه های پدیده اجتماعی مدرن شهروندی است، همچنین از مؤلفه های تحقق نظام مردم سالاری در جامعه مدنی است این اصول و آموزه ها می توانند: ۱- نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مستمری را برای تمامی اعضای جامعه بوجود آورند. ۲- این آموزه های مدنی مجموعه بهم پیوسته ای از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همگانی و برابر و یکسان را برای شهروندان بوجود می آورد. ۳- احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن را برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه های دینی، اخلاقی، اجتماعی، و فرهنگی فراهم می کند. ۴- موجب برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضاء جامعه از مزایا و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی مذهبی و قومی می گردد.

آموزش شهروندی از بُعد جامعه شناسی نظری در اندیشه های "وبر- تونیس- دورکیم" قائل به نوعی «هویت، عضویت و تعهد عقلانی- عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی هستند که منجر به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه می‌گردد و نهایتاً به تقویت انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی منجر به می‌گردد.»

پارسنز در اندیشه‌های خود آموزش شهروندی را در طرح "وبری - دورکیمی" در قالب واقعیتی مدرنیته با مبنا قراردادن اینکه اصول آموزش شهروندی یک الگوی عام، بی‌طرف ارزشی، اکتسابی و مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی نیز در جامعه است و به ارائه تصویری از شهروندی بر این مبنا پرداخته است. آموزش‌های شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در نظر پارسنز یک نوع "کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی" است. در واقع رویکرد پارسنز به شهروندی و آموزه‌های آن به افراد جامعه تاکید بر عقلانیت عرفی شده، عضویت و تعهد اجتماعی مدنی، مشارکت و تعلق اجتماعی تمام اعضای جامعه با هدف تقویت انسجام و نظم اجتماعی مدرن است.

در اندیشه اجتماعی مارشال شهروندی و مولفه‌های مربوط به آن با یک رویکرد تاریخی و جامعه‌شناختی واقعیتی اجتماعی دانسته که در غرب از سده ۱۷ تا قرن ۲۰ مورد بررسی و سیر تکاملی قرار گرفته است. مارشال آموزش‌های شهروندی را جزء مولفه‌های کلیدی نظام اقتصادی سرمایه‌داری یعنی طبقه اجتماعی و نظام سیاسی دموکراسی یعنی مشارکت همگانی و برابری حقوقی در جامعه مدرن دانسته است. به نظر مارشال آموزش شهروندی «نوعی واقعیتی است که منزلت اجتماعی را به تمام اعضای جامعه از طریق تعالیم رسمی و غیر رسمی اعطاء نموده و به موجب آن تمامی افراد از جایگاه حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده برخوردارند، به نظر او آموزش اصول شهروندی همراه با سه بعد اجتماعی است: "حقوق مدنی و شهروندی مدنی" مانند حق برخورداری از آزادی بیان، مالکیت، مذهب، عقیده، حقوق سیاسی و... شهروندی سیاسی و حقوق سیاسی "مانند حق برخورداری از رای، عضویت و مشارکت سیاسی و... "حقوق اجتماعی رفاهی و شهروندی اجتماعی و رفاه" مانند حق برخورداری از رفاه و خدمات اجتماعی، اشتغال، آموزش امنیت، تامین اجتماعی و مانند آن.»

ترنر در اندیشه‌های خود مفهوم شهروندی و آموزش‌های که باید به افراد در این زمینه داده شود در قالب چهار مولفه جامعه‌شناختی به عنوان یک واقعیت اجتماعی بیان کرده است. الف - شکل اجتماعی شهروندی: در این شکل آموزش‌هایی که شهروندان دریافت

می کنند از بالا به پایین است یعنی دولت به سمت جامعه مفاهیم شهروندی و شهروند مداری را ارائه می دهد. ب- قلمرو اجتماعی شهروندی: در این حوزه آموزه هایی ارائه شده که بیشتر شهروند مداری را به سمت حوزه عمومی ترغیب کرده یا برخی از این آموزه ها منجر به شکل گیری حوزه های خصوصی شده است. پ- گونه اجتماعی شهروندی: این مولفه اشاره به آموزش هایی می کند که شهروندان را بیشتر حالت فعال در شهروندی بیان می کند یا به صورت شهروند منفعل تلقی کرده است. ت- محتوای اجتماعی شهروندی: اشاره به تعلیماتی می کند که تاکید بر ایفای وظایف، تکالیف، مسئولیت ها و تعهدات شهروندی کرده و یا معطوف به حقوق و امتیازات شهروندی دانسته است.

ماهیت گفتمان قانون اساسی و راهبردهای اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین مجلس شورای اسلامی، و راهبردهای برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی فرهنگی تاکید بر آموزه های شهروند دینی و اخلاقی است. الزامات اسلامی ناشی از روح معنوی و مردم سالاری دینی تاکید بر آموزه های اخلاقی و دینی می کند که بر روح ایجاد شهروند منتظر در جمهوری اسلامی ایران دمیده است. آموزه های ایجاد شهروند منتظر در سه بعد شکل می گیرد. شهروند فرهنگی، یعنی آموزه هایی که ناظر بر این است که مردم باید ارزش ها و هنجارهای جامعه مهدوی را در یک جامعه منتظر بسترسازی کنند، شهروندی اجتماعی به مبنای اینکه آموزش هایی باید داده شود که شهروندان منتظر باید رفتارهای عدالت خواهی و ظلم ستیزی را در جامعه مهدوی استمرار بخشند. شهروندی سیاسی ناظر بر آموزش هایی چون مشارکت پایدار شهروندان در جامعه مردم سالاری دینی در تمام عرصه های از جمله بسترسازی جامعه منتظر می باشد. این سه بعد شهروند منتظر از سوی انقلاب اسلامی ایران در این سی و پنج سال ارائه شده است. همچنین مدیریت جنگ در طی دهه اول انقلاب اسلامی به رهبری قاعد عظیم الشان جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) و زعامت مقام معظم رهبری بعد از جنگ نقش بارزی در ارتقاء و بسترسازی شهروند مذهبی، ایدئولوژی مهدی یآوری و مهدویت باوری داشته است.

آموزه های شهروند منتظر به عنوان یک واقعیت تربیتی

مفهوم آموزه های شهروند منتظر از مفاهیم کلی است که به مطالعه "فرهنگی-اجتماعی-سیاسی و دینی" یک جامعه وابسته است. در واقع این مؤلفه را می توان آموزش شیوه های زندگی کردن با یکدیگر به طور خاص در یک جامعه و به طور عام در جامعه جهانی اطلاق نمود.

فرایند آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت تربیتی شامل مقتضیاتی است که در هر دوره ای از جامعه باید به افراد آن جامعه که عضویت دارند و مطالبات معینی را دنبال می کنند ارائه داد. در واقع فرایند تربیتی آموزش شهروندی در جامعه اسلامی در این جهت است که باید این تعلیمات باعث حفظ و بسترسازی بهینه شرایط موجود، و پاسدار نظم معنوی و اخلاقی جامعه گردد. واقعیت تربیتی آموزه های شهروند منتظر برای این است که نسل های جوان را با تجربیات، ارزش ها و دستاوردهای نسل های گذشته آشنا کند، که این آشنایی منجر به این می شود که نسل جدید به تجربیات نسل قدیم سرمایه های تمدنی را بیافزاید؛ همچنین این تربیت منجر به این می شود که تجربیات نسل های گذشته باعث بهره گیری و ارتقاء کیفیت زندگی فردی و معنوی نسل های بعدی شود. از بعد دیگر در جامعه اسلامی نظام آموزشی باید چنان شهروندان خود را با فراورده های اخلاقی و معنوی خویش تربیت و پرورش دهد که بتواند با استفاده از تخصص کسب شده شان بسترسازی جامعه منتظر کمک نماید. همچنین این آموزه ها باید آینده جهان منحنی گرایبی غربی را به چالش بکشانند. آموزه های شهروند منتظر در عصر جهانی شدن این است که آموزش و پرورش باید با تاکید بر ضرورت های جامعه مصلح و منجی واقعی شهروندان منتظر خود را به عنوان یک نخبه معتقد تربیت کند تا بتواند خدمات حرفه ای را بر حسب نیازهای اخلاقی و معنوی عرضه کند.

به نظر امیل دورکیم آموزش شهروندی از بعد تربیتی «از طریق اکتساب دانش، مهارت ها و ارزش های منتقل شده از نسل های بزرگسال به نسل های نرسیده و ناپخته برای زندگی اجتماعی تلقی می کند و بر این باور است که مجموعه خصلت های آموزشی که برای تربیت شهروندان در جوامع مختلف اولاً در دوره های مختلف از نظر فلسفه، روش و محتوا متفاوت است. ثانیاً اینگونه تربیت با توجه به ساختار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی

هر جامعه صورت می پذیرد و برنامه ریزی آن باید بدست نوابغ و صاحب نظران در عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد صورت پذیرد. ثالثاً این آموزش شهروندی را در درسهای ملموس و عینی مدرسه باید به گونه ای گنجانند که فرد شهروند پس از آن آموزش های بتواند با الزامات و نیازهای زندگی در جهان فردا همسازی داشته باشد و اهم این توانایی ها را چنین رده بندی می کند. ۱- توانایی در برخورد منطقی و سنجیده در جهت حل و فصل رضایت بخش معضلات و دشواری ها ۲- توانایی در کارکردن با دیگران به صورت همکاری و پذیرفتن مسئولیت های اجتماعی خویش. ۳- توانایی درک و تفاهم و تحمل تفاوت های فرهنگی. ۴- توانایی تفکر انتقادی در سامان بخشی و سازندگی. ۵- توانایی حل تعارضات خود با دیگران با روش های مسالمت آمیز. ۶- توانایی درک و شناسایی هنجارهای فرهنگی خود در جهت غنی تر ساختن توسعه فرهنگ بومی و قومی. ۷- توانایی در حقوق بشر در دفاع از آن، چه در جامعه خویش و چه در جامعه بین المللی. ۸- توانایی در نظم پذیری جمعی و بهره گیری از نگرش علمی از باورهای فرهنگی جامعه خود و جوامع دیگر.» (آقازاده، ۱۳۸۵: ۴۹)

در واقع سیر تحولاتی آموزش شهروندی از بعد تربیتی در ساختار جامعه ایران از یک سابقه و قدمت تاریخی بسیار غنی برخوردار است. تربیت شهروندان ایرانی نخست تحت تاثیر فرهنگ زرتشتی قرار داشته و با ورود اسلام با تکیه بر آیین و فضایل اخلاقی و اسلامی رفتارها و هنجارهای آموزش شهروندی از بعد تربیتی تا به امروز سیر متحولی را سپری کرده است. اکثر تعالیم اسلامی با محوریت " اخلاق - اطاعت از والدین، فرمانبرداری از حکومت اسلامی، وظیفه شناسی و نیکوکاری به یکدیگر و... " تا به امروز در ایران رواج داشته است. در واقع آموزه های شهروند منتظر به عنوان یک واقعیت تربیتی در جامعه ایران اسلامی دارای یکسری از ویژگی هاست .

الف) آموزه شهروند منتظر به عنوان یک فرد: ساختار تعلیم و تربیت فرد در حوزه آموزش های شهروند دینی باید بگونه ای باشد که فرد از طریق این آموزه ها بتواند ۱- نسبت به هم نوع خود عدالت داشته باشد. ۲- در عرصه تحکم پایه های مردم سالاری دینی گام بردارد. ۳- متکی به خود بوده و من مستقلی داشته باشد، که این خود از رشد

و تعادل قابلیت‌ها نشات می‌گیرد. ۴- ابتکاری قوی و اراده‌ای با مصمم در زندگی داشته باشد. ۵- حق‌شناسی و حرمت‌گذار باشد.

ب) آموزه شهروند منتظر به عنوان یک عضو از خانواده: اینگونه می‌باشد که ۱- شرایط و فضای خانه را به صورت جایگاهی در آورد که سرشار از رفتارهای اخلاقی و معنوی باشد. ۲- خانه را برای آرامش و آسایش و فضای تعامل بایکدیگر مهیا کند. ۳- فضای خانه و تعاملاتی که با سایر اعضای خانواده ایجاد می‌کند به سمت تعلیم و تربیت یا اجتماعی شدن دینی و مهدویت باوری سوق یابد. ۴- ارتباطات انسانی را به نحو احسن در فضای خانواده گسترده کند، و معاشرت خود را بسط دهد و از آن حظ معنوی ببرد.

ج) آموزه‌های شهروند منتظر به عنوان یک عضو از جامعه: بر اساس این مولفه ۱- باید ساختار آموزش شهروندی از بعد تربیتی به گونه‌ای باشد که فرد یک عضو کارگزار متعهد دینی باشد و بخشی از اوقات خویش را صرف بسترسازی تفکرات مهدی باوری نماید تا از این طریق بتواند به توسعه پایدار جامعه اسلامی موعود باوری کمک نماید. ۲- یک عضو جامعه شهروندی به گونه‌ای آموزش می‌بیند که روحیه خدمت به جامعه را در به‌زیستن دیگران در خود تقویت کند و به نوعی مددکار مؤثری برای حل مسائل و پیامدهای زندگی دیگران باشد. ۳- شهروند یک جامعه باید ارزش‌های دینی که منجر به اخلاق و رفتار معنوی مثبت شده در خود تقویت کند و به آن‌ها احترام گذارد. ۴- باید روحیه آینده‌نگری و نقادانه‌ای نسبت به فعالیت‌های فرهنگی جامعه اسلامی داشته باشد و باید در جهت رشد و بالندگی این نظرگاه‌ها اهتمام زیادی ورزد.

د) آموزه‌های شهروند منتظر به عنوان یک فرد متعهد در جامعه جهانی: این است که ۱- شهروندان را وطن‌خواه کرد و به عشق جاودانه نسبت به دین، ملت، تاریخ و فرهنگ تمدن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند سوق داد. ۲- شهروندان را برای احتدام گذاشتن و حفظ میراث دینی، فرهنگی، نمادهای ملی جهانی آموزش داد و حتی نگهداری آثار گذشتگان و دستاوردهای آنان را تقویت کرد. ۳- باید نهادهای آموزشی مروج ویژگی‌ها و هنجارهای عالی، ملی و بین‌المللی در بین شهروندان و به نوعی حرمت‌گذاری و متعهد به ارزش‌های انسانی و پذیرش قبول مسئولیت‌های ملی و جهانی در بین شهروندان را تقویت نمایند.

حال با توجه به این فرایندها، هدف از آموزش شهروند منتظر به عنوان یک واقعیت تربیتی در جامعه ایران اسلامی حال حاضر اینگونه است که:

۱- هدف توسعه و گسترش دانش، مهارت ها، ارزش ها و نگرش هایی است که لازم است برای شهروند آگاه و مسئولیت پذیر در یک جامعه منتظر حرکت نماید.

۲- نیت در حوزه دانش نظری این است که نهادهای آموزشی باید شهروندان منتظر را به درک از فعالیت های دینی، اجتماعی و فرهنگی در سطح مصرف و حفظ امنیت واقف نمایند و نسبت به فرایند تصمیم گیری در مشارکت های اخلاقی و معنوی و درک شناخت واقعی آگاه کنند.

۳- هدف در حوزه دانش عملی این است که، این نهادها باید مهارت هایی از جمله اطلاعات و کاربردهای فرایند پژوهشی و تحقیق، فناوری اطلاعات و ارتباطات و... را آموزه های شهروند منتظر را بسترسازی و جامعه پذیر نمایند.

۴- نیت در حوزه ارزش های فرهنگی و دینی این است که نهادهای آموزشی هر جامعه ای باید با توجه به بعد ملی و جهانی در بین شهروندان منتظر عشق ورزی به مذهب، سرزمین، میراث فرهنگی و تاریخ آن جامعه را همراه با نگرشی مثبت بسط دهند، علاوه بر این به توسعه ویژگی صفات شهروند منتظر در یک جامعه مردم سالاری دینی گام بردارند تا از این طریق بتوانند یک شهروند فعال و مطلع در اجتماع خود نسبت به جامعه ملی و جهانی را تربیت نمایند.

با توجه به چنین موارد و اهدافی که در مورد ابعاد تربیتی آموزه های شهروند منتظر در جامعه اسلامی ایران بیان کردیم، شوراهای عالی آموزش و پرورش - آموزش عالی - انقلاب فرهنگی - کمیسیون آموزشی مجلس، کمیسیون های تشخیص مصلحت نظام - معاونت مدیریت و برنامه ریزی ریاست جمهوری - صاحب نظران و اندیشه ورزان تعلیم و تربیت، متخصصان علوم اجتماعی و سیاسی و... باید سند اصول حاکم بر نظام تربیت شهروند منتظر را در ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه مان تدوین کنند؛ در این سند ویژگی های شهروند مطلوب، فعال و ایده آل ایرانی و اسلامی را به عنوان فردی در منظومه خانواده، جامعه محلی و ملی و سرانجام جامعه جهانی منتظر به موعود و منجی بشریت ترسیم کنند. از سوی دیگر توسعه همه جانبه و پایدار جامعه مان بستگی به حضور فعال

شهروندانی آگاه و توانمند علمی و مهارتی لازم را برای توفیق در زندگی اجتماعی و فردی در عرصه های سازندگی دارد. لازم است برای تربیت این چنین شهروندانی در برنامه های درسی مدارس، دانشگاه و کانون های آموزشی در تمام سطوح یک تجدید نظر اساسی شود، و نقش آموزش های رسمی را در ارتباط با تربیت شهروند منتظر و فرایند آن به عنوان یک واقعیت پررنگ تر کرد.

آموزه های شهروند منتظر به عنوان یک واقعیت سیاسی

آموزه های شهروند منتظر از بُعد سیاسی در واقع توسط نظام سیاسی حاکم بر جامعه تعیین و مشخص می گردد. در واقع آنچه که حاکمیت می خواهد در نهادهای آموزش به عنوان برنامه های درسی و غیر درسی به شهروندان یک جامعه از ارائه نماید، از همان دوران کودکی آغاز می گردد و حتی سایر نهادهای اجتماعی هم با توجه به ساختار سیاسی حاکم بر جامعه به شهروندان این آموزه ها را اشاعه می دهد. حاکمیت از طریق آموزه های دینی الگوهای توسعه سیاسی جامعه که همان آگاهی و بالابردن سواد سیاسی شهروندان به منظور نهادینه ساختن الگوهای انسجام و همبستگی معنوی از یکسو و تعمیم پذیری الگوهای مشارکت و توزیع مناسب منابع می باشد، را مد نظر دارد.

آموزه های شهروند منتظر از بُعد سیاسی و مدنی به عنوان یک واقعیت به تعلیم راهکارهای ایجاد وحدت، حفظ یگانگی و انسجام اخلاقی همه جانبه شهروندان می پردازد که این مسئله موجب رشد هویت دینی در بین شهروندان شده است. از سوی دیگر این آموزه ها از طریق شرایط بسیج سیاسی در جامعه نظیر شرکت در انتخابات، علاقمندی به مطالب سیاسی و پیگیری امور سیاسی نقش شهروند فعال سیاسی منتظر را در بین افراد شهروندان ارتقاء می بخشد.

آموزه های شهروند منتظر در ارتباط با جامعه پذیری سیاسی به بسترسازی جامعه منتظر کمک شایانی خواهد کرد، براساس این آموزه ها شهروندان گرایشات، نگرش ها، دانش و معیارهای سیاسی خود را به نسل های بعدی انتقال داده یا در تعامل قرار می دهند. در واقع این آموزه ها جهت گیری های را از بُعد سیاسی برای شهروندان ایجاد می کند. «۱- جهتگیری شناختی، یعنی آگاهی شهروند از نظام سیاسی و باور به این نظام و نقش

های آن ۲- جهت گیری عاطفی یا احساسات شهروندان نسبت به نظام سیاسی ۳- جهت گیری ارزیابی که مربوط به برداشت ها و قضاوت های شهروندان نسبت به موضوعات سیاسی را مورد بررسی قرار می دهد.»

آموزش شهروندی از بُعد سیاسی شامل بخشی از نظرات و رفتارهایی است که در جهت تداوم نظم سیاسی و دینی جامعه به اعضاء تعلیم داده می شود و موجب انتقال به نسل های بعدی می گردد؛ تا از این طریق فرایند جامعه پذیری سیاسی جامعه منتظر صورت گیرد. آموزه های شهروندی از منظر سیاسی با ثبات فرهنگ سیاسی و ساختارهای اجتماعی در طول زمان رابطه دارد؛ و هر نظام اجتماعی می کوشد تا ارزش ها، نگرش ها و دیدگاه های ضروری را برای تداوم نظام سیاسی خود به شهروندان منتقل کند.

آموزش شهروند سیاسی در هر جامعه ای هدفش پرورش سیاسی، شکل دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان به اقتضای قالب های اجتماعی و سیاسی است، به عبارت دیگر پرورش سیاسی از طریق آموزش شهروندی فراگردی است که شخص از طریق آن جهت گیری سیاسی اساسی خود را در محیط جامعه کسب می کند. در واقع آموزش شهروندی سیاسی و پرورش آن یعنی جذب و درونی کردن هنجارها و ارزش های نظام سیاسی جامعه است. شهروند سیاسی یک جامعه از طریق آموزش های لازم با مسئولیت های خودآگاهی ملی و وفاق سیاسی آشنا می گردد. آموزش شهروندی از نگاه سیاسی دارای چنین کارکردهایی در هر جامعه است. «۱- جامعه پذیری سیاسی شهروندان و آشنا سازی با فرهنگ سیاسی ۲- گزینش جذب و آموزش رهبران و کارگزاران سیاسی ۳- ایجاد یگانگی سیاسی در جامعه ۴- ایجاد زمینه برای تشکیل سازمان هایی که در جامعه نقش های سیاسی ایفاء می کنند و...».

آموزه های شهروند منتظر به عنوان یک واقعیت فرهنگی

آموزه های شهروند منتظر با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مستقیم دارد، این مؤلفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه دینی به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه دینی و شاخص های توسعه فرهنگی یافتگی نقش مؤثر دارد. در واقع آموزه های شهروند منتظر به عنوان یک واقعیت فرهنگی همراه با عناصر کلیدی

آن همواره در طول زندگی اجتماعی انسان که به استقرار فرهنگ می انجامد نقش بارزی می تواند داشته باشد. امروزه این آموزش ها در تعیین جایگاه فرد در جریان توسعه یافتگی دینی در بستر جهانی شدن از مهمترین ضرورت های دستیابی تلقی می گردد.

آموزش شهروند منتظر یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی دارد. این عنصر فرهنگی علاوه بر زمینه های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و شرایط یگانگی و همبستگی معنوی و اخلاق مدنی ناظر است. این مؤلفه آموزشی با مشوق هایی چون احساس برادری، نوع دوستی، تعهد و مسئولیت پذیری همراه است. آموزش های شهروند منتظر در بعد فرهنگی اشاره به اخلاق شهروندی می کند در واقع باید به آموزه هایی دینی و فرهنگی پرداخت که شهروندان در یک شهر نسبت به نهادهای اجتماعی، شهروندان باید اجرا نمایند. آموزش شهروندی از بعد فرهنگی شامل «آموزش مجموعه ای از هنجارها و ارزش هایی می شود که انعطاف پذیری بسیاری دارند و این امر ناشی راز وجود تفاوت ها و تنوعات فرهنگی است که در جامعه شکل می گیرد، از نظر ترنر آموزش فرهنگ شهروندی ارتباط به مشارکت فرهنگی افراد جامعه دارد و باید شهروندان در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه آموزش بینند و خود را مسئول بدانند و در گسترش آن مشارکت نمایند.»

مفاهیم کلیدی که در حوزه فرهنگ آموزه های شهروند منتظر باید به آن توجه بسیاری کرد شامل "مسئولیت پذیری شهری - قانونمند بودن شهروندان - هنجارپذیری الگوهای شهرنشینی معنوی و اخلاقی " است در واقع این مفاهیم فرهنگی را می توان از همان آغاز کودکی درونی کرد. اگر به این مؤلفه های آموزش توجه نشود هر جامعه ای با هزینه های بسیاری روبرو خواهد شد و ناچار هستیم دائم کنترل اجتماعی را بر شهروندان افزایش دهیم که این مسئله پیامدهای فرهنگی و اجتماعی بسیاری را با خود بوجود می آورد.

راهبردها و راهکارها آموزش شهروندی

الف: ضرورت ایجاد یک دیدگاه اخلاقی و فرهنگی مهدویت باوری در آموزش های رسمی و غیر رسمی شهروندان

ب: برای اینکه آموزه های شهروند منتظر با تمام ابعاد آن به عنوان یک واقعیت اجتناب ناپذیر در اذهان شهروندان از همان دوران کودکی تا بزرگسالی نهادینه گردد، باید همواره از منابع "اخلاقی- فرهنگی- اجتماعی- سیاسی- و..." که پایه های قدرتمند ساختار فرهنگی را در بین شهروندان تقویت می کند مورد توجه برنامه ریزان و متخصصان اجرایی مدیریت سیاسی و شهری جامعه قرار گیرد.

پ: باید آموزه های متنوع شهروند منتظر را برای تمام سطوح شهروندی متناسب با نیازهای "اجتماعی- روانی- اقتصادی- سیاسی- دینی و..." به صورت رویکردها و برنامه ریزی های "بلند مدت- میان مدت و کوتاه مدت" اجرا کرد.

ت: ضرورت باز آموزی تعالیم "فرهنگی- اجتماعی- روانی - حقوقی- سیاسی" شهروندی در حوزه دانش های علوم انسانی از طریق برنامه ریزی های علمی و تخصصی در طی سال به صورت مستمر در قالب هم اندیشی ها- همایش ها- کارگاه های آموزشی و عملی- انتشارات- برنامه های آگاه سازی ایجاد کرد.

ث: تلاش در جهت هدایت پژوهش های خردنگر در سطوح محلی- منطقه ای و حتی کلان نگر در سطح ملی برای شناخت ساز و کارهای پارامتری آموزه های دینی در قالب "تربیتی- پرورشی- اجتماعی- فرهنگی و روانی" و تلاش برای ارائه راه کارهای عملی و کاربردی آموزش های نهادینه شده شهروندی امری ضروری برای جامعه است.

ج: باید در آموزه های شهروند منتظر برای هر سطحی از شهروندان به نیازسنجی هویتی شهروندان توجه شود.

چ: در آموزش های شهروندی منتظر باید ابعاد مختلف آموزه های شهروندی به موزات هم در جهت تکامل بخشیدن به زندگی اجتماعی شهروندان تاکید شود.

ح: باید در برنامه ریزی های درسی و غیر درسی که از سوی نهادهای آموزشی و کانون های آموزشی در حوزه شهروندی شکل می گیرد به مؤلفه های درونی و بیرونی فرهنگ و اخلاق شهروندی توجه گردد، تا از این طریق پایه های فرهنگ شهروندی را تقویت کرد.

خ: با توجه به اینکه جامعه ایران از تنوع فرهنگی و قومی در زندگی اجتماعی و فرهنگی برخوردارست، باید آموزه ها را یک سازه فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت که متناسب با رویکردهای ارزشی، بومی، و محلی آن خرده فرهنگ شهروندی باشد.

د: با توجه به تحولات "تکنولوژیکی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی" که جامعه روبرو است باید آموزه های شهروندی را پدیده ای پویا و دگرگون متناسب با شرایط جهانی دانست و دائماً به بازتولید فرهنگی و اجتماعی این مؤلفه توجه و اهتمام خاص داشت.

ذ: باید در برنامه ریزی های آموزش شهروندی ابعاد "حقوقی - سیاسی - فرهنگی - اخلاقی" شهروندان برای رسیدن به یک تعریف جامع و کامل از شهروندی مدنظر قرار گیرد.

ر: در آموزش شهروندی از سوی نهادهای آموزشی رسمی و غیر رسمی سرفصل های فرهنگ انتظار چون "عدالت طلبی - ظلم ستیزی - مردم سالاری - مسئولیت پذیری مدنی - مددیاری - حمایت اجتماعی - مشارکت همه جانبه و..." مورد حمایت و تعلیم ازسوی حاکمیت وقت و مدیریت شهری قرار گیرد.

ز: در دهه های اخیر آموزه های شهروندی در جامعه در عرصه های "سیاسی اجتماعی - اخلاقی و فرهنگی" امری ضروری است که تمام دستگاه های رسمی و غیر رسمی جامعه باید در اهتمام ویژه به این آموزش ها سرمایه گذاری های اجتماعی - فرهنگی خاصی بنمایند.

ژ: با توجه به اینکه آموزش شهروندی پدیده ای پویا ست پس لازم است در جهت شهروندی فعال در تمام زمینه های اخلاق شهروندی تمام دستگاه های اجرایی بر پایه آرمان های "ایدئولوژی اسلامی - ایرانی - جهانی" فعالیت و سرمایه گذاری کنند.

س: آموزش های شهروندی باید در راستای "خلاقیت ها - ابتکارها - خودشکوفایی" شهروندان و رفع نیازهای پایدار و همه جانبه شهروندی صورت گیرد.

نتیجه گیری

آموزه های شهروند منتظر منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت های شهروندی جامعه اسلامی در جهت استحکام مردم سالاری دینی و مشارکت پایدار شهروندان در انقلاب اسلامی ایران خواهد شد. این مؤلفه ضامن بقاء و تداوم حیات دینی و میزان توسعه همه جانبه جامعه اسلامی دهه چهارم انقلاب (عدالت و پیشرفت) می گردد. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر معنوی و اخلاقی در بین شهروندان منتظر بوجود می آورد؛ نقش دیگر این مؤلفه ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل جامعه منتظر در ابعاد محلی - ملی و جهانی خواهد بود. چنین آموزه هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و جستجویی برای مساوات طلبی، عدالت خواهی و ظلم ستیزی است. این آموزه ها به روابط معنوی و اخلاقی بین افراد و روابط افراد و نهادهای ساختار نظام اجتماعی مربوط شود. این فرایند در نهادهای آموزش رسمی جامعه منجر به پرورش شهروند منتظر فعال می گردد. در واقع آموزش شهروند محوری انتظار در جامعه اسلامی و جهانی باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی بصورت معنوی برخوردار باشند؛ و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بهره مند گردند. یادگیری پارامترهای آموزه های رفتار شهروند منتظر به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه دینی در زندگی کمک شایانی خواهد کرد. آموزش رفتارهای شهروند منتظر در افزایش کیفیت عملکرد سازمان های مردم سالاری دینی در جهت بستر سازی جامعه منتظر بسیار اثرگذار است، این آموزه ها به تقویت اخلاق معنوی و بسط همبستگی دینی یک جامعه در سطح محلی - ملی و جهانی کمک خواهد کرد، آموزش شهروند منتظر بخشی از وظایف مدیریت جامعه است، در واقع دولت و نهادهای قانونگذار، از طریق این آموزه ها و مهارت های زندگی جمعی و شناخت اصول معنوی مدیریت جامعه نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت.

آموزش شهروند منتظر به عنوان یک واقعیت اجتماعی از مؤلفه های نظام جامعه اسلامی و شاخص کلیدی برای تحقق مردم سالاری دینی در عصر حاضر می باشد. این آموزه ها به عنوان یک واقعیت اجتماعی در ساختار فرهنگی جامعه ایران در قالب سه شکل "امتناع

شهروندی " و "امکان شهروندی " و "ایجاب شهروندی " رشد کرده است. فرایند آموزش شهروند منتظر به عنوان یک واقعیت تربیتی شامل مقتضیاتی است که در هر دوره ای از جامعه باید به افراد آن جامعه که عضویت دارند و مطالبات معینی را دنبال می کنند ارائه داد.

درواقع زمینه های اصلی و شکل دهنده تربیت یا آموزش شهروندی شامل سنت تاریخی، موقعیت دینی، ساختار اجتماعی و سیاسی، نظام فرهنگی و ... می باشد. در واقع سیر تحولاتی آموزش شهروندی از بعد تربیتی در ساختار جامعه ایران از یک سابقه و قدمت تاریخی بسیار غنی برخوردار است. آموزش شهروندی از بُعد سیاسی در واقع توسط نظام سیاسی حاکم بر جامعه تعیین و مشخص می کند. حاکمیت از طریق آموزش شهروند منتظر الگوهای توسعه سیاسی جامعه که همان آگاهی و سواد سیاسی شهروندان به منظور نهادینه ساختن الگوهای انسجام و همبستگی اخلاقی از یکسو و تعمیم پذیری الگوهای مشارکت پایدار می باشد را مد نظر دارد. آموزش شهروند سیاسی در هر جامعه ای هدفش پرورش سیاسی، شکل دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان به اقتضای قالب های اجتماعی و سیاسی است، این آموزه ها با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مسقیم دارد، این مؤلفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه معنوی و شاخص های توسعه فرهنگی یافتگی نقش موثر دارد. آموزش شهروندی یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی دارد. این عنصر از شهروندی علاوه بر زمینه های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی و اخلاق مدنی ناظر است. با توجه به این موارد در سطور ذیل بخشی از راهبردها و راهکارهای اشاعه آموزه های شهروند منتظر را ارائه خواهیم داد.

منابع

خطیب زمانی، ن. آموزش شهروندی نیاز جامعه امروز، روزنامه کیهان ۱۳۸۶، ص ۱۰ قابل دسترس در www.magiran.com.

لطف آبادی، حسین، آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، دوره پائیز، ۱۳۸۷، صص ۲۰ و ۱۹. قابل دسترس در www.sid.ir

شارع پور، محمود، جامعه شناسی آموزش و پرورش، نشر سمت، تهران، ۱۳۸۶، صص ۳۱۷ و ۲۸۶.

صرافی مظفر، عبداللهی، مجید، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت کشور، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۳۳، دوره بهار، ۱۳۸۷، صص ۱۱۷. قابل دسترس در www.sid.ir

هویدا، رضا، نادری، ناهید، بررسی سطح رفتاری شهروندی سازمانی کارکنان، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال نهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۳)، ۱۳۸۸، صص ۱۰۶ و ۱۰۵ قابل دسترس در www.sid.ir

توسلی، غلامعباس، نجات حسینی، محمود، (واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دوره پنجم شماره ۲، ۱۳۸۳، ص ۳۶ قابل دسترس در www.sid.ir

عاملی سعید رضا، محمد خانی، نجمه، (۱۳۸۷)، ارتباطات بین فرهنگی و گفتمان حقوقی، آموزشی و رسانه ایرانی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴ دوره زمستان، ۱۳۸۷، ص ۱۷۴. قابل دسترس در www.sid.ir

آقازاده، احمد، اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی های این گونه آموزش ها در کشور ژاپن، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، دوره پائیز، ۱۳۸۷، ص ۴۹ قابل دسترس در www.sid.ir

علاقه بند، علی، جامعه شناسی آموزش و پرورش، نشر روان تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸.

شربتیان، محمد حسن، تاملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن، فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی، شماره ۸ و ۹، سال دوم و سوم، دوره تابستان و پائیز، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳.